

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوهستان

بهیج حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

نامنه
نقشبندی

سال اول - شماره ۱۷ شنبه ۷ اسفند ۱۳۲۳ تک شماره ۲ ریال

نامه کوهستان برای چه بوجود آمده است

در این موقع باره که کشور بیش از هر وقت با فداکاری افراد نیازمندی است، در این هنگام که در اکثر کشورهای جهان مردم به تهیه برنامه های بعد از جنگ و فراهم نمودن وسایل رفاه هم میباشند خود اشتغال دارند.

در این هنگام که مردم زنده در عظمت مین خود هدف و آرزوی ندانند و شب و روز در راه موفقیت تلاش می نمایند، ما چه میکنیم؟

ما چنان هم افتاده آسایش صومری را معنی میکنیم، ما جز بناهای شخصی خود هیچ چیز توجه نداریم، ما اصلاً مشغول ترویج و تفریح ای وجود آوریم، ما دو دستی کلاه خود را سپیده و بهر وسیله ای مثبت میبوییم تا آنرا محکم بر سر نگاه داریم.

در این گریه یاد حوائت هیچگاه بفرم هم میبازیم نیستیم. وطن را جز در افتادگی نمی بینیم، و برای عظمت ایران هیچ آکاری یا از خود گذشتگی نمی در نیدیم.

آنکه وزیر است از لاول مقام نگران، آنکه در کل است بی تراهین وزیر، آنکه مأمور است در بی استفاده شخصی یا تهیه وسایلی برای امور دانش، و در این میان سلسله سرداران است. ما همه میباییم و از اوضاع شکایت میکنیم، ولی هیچکس نمیخواهد نگرشهای صمیمی. میخواهیم دست بدست هم داده مشکلات سر راه را برداریم.

عده ای نا امیدیم، عده ای بی اعتنائیم و معدودی بیادیم، ولی چون باز هم بدینان، بیگونیست، بجای نبرسیم.

از این هرج و مرج و سرگردانی گوته نظری چند استفاده میکنیم. آنان که بهیج چیز پاینده نیستند این فرصت را غنیمت میشمارند، و باس و نا امید را تقویت می کنند. برای شرفست امدان شوم و بلیه خود از هیچ چیز خودداری نمیکنند. حب مقام دولتی یا شورت پول آنان در بهره گیری و میباید. انکار غلط زنده میدهد، عطف بر ما میکنیم، اخلال میباید، برادر کنی راه میباید.

برای آنان استقلال ایران، عظمت کشور، حب وطن معنی ندارد. ناپود بناد این گروه ناخلفان.

بهمانندین مختلف نرغز ایجاد میکنند، بر سر مسائل کوچک بپولان راه میبازند منت عنوان کرد. لرز ترک و امثال آن، بخواهند دسته های تشکیل دهند و گوشش میکنند نکات ضمنی بیباید از آن بیخ خود و زبان کشور استفاده کنند غافل از اینکه معدودی نفع برست هیچگاه چنین قدرتی نخواهد یافت که بتوانند سوابق تاریخی هرق آن و کسانی را که بگانه انتفاضه ان لراستیت از آن هم جدا سازد.

چگونه ممکن است فکر کرد آذربایجان هوس جدائی از ما در داشته باشند؟

چگونه ممکن است انبشبه اکراد آرزوی غیر ابرایت در فکر چای دهند؟ چگونه ممکن است خیال کرده مشاییر ایران خود را غیر ایرانی بدانند، با قدمی، زبان مین بر دارند؟

آنان که بایمیدی باین انکار خود را مشغول داشته اند و نظریات سوسی دارند باید ناپود شوند.

هوس استقلال؟؟؟؟

عده ای از امجرا جوانان برای اینکه از آب گل آلوده ماهی بگیرند، در مواقع حساس اشاعه میدهند و اکراد هوس استقلال درس دارند دولت را نیست به اکراد اوزدوت و اکراد اوزدوت نا امید میبایند: از سر گرمی های دولت مأمور و مختلف کشور سوء استفاده می کنند، با مردم بد رفتاری میبایند. مردم ساده و بی آلاش هم گمان میکنند بیباید دولت نظریاتی به آنان دارند آنان را از خود عبیدند، نا امید میگردند، ناراضی میشوند. نا و خاشیای های معدودی از آنان را مأمورین استفاده جو بزرگ جلوه می دهند: نام طغیان - غائله - استقلال کرده بر آن میگذاردند. گزارش های معرمانه درم - قوری - خلی خلی خلی فوری و امثال آن، میدهند تا دولت نگران شود، بگویند سر گویی کنید، باچار و جنجال، عده ای بیچاره و غلابا خشک ساز را قیید میکنند، بنام باقی عده ای را توقیف میبایند و میگویند:

غائله را خوب بایند بپوز استقلال کرد - لوگری کردیم، در حالیکه تنی چند راهزن نادان را برای روز میباید خدمت دولت نگاه میدارند تا هروقت که لازم هد آنها را بشترت واردانند و بلوای معدودی دیگری بیبایند.

این است خلاصه - حقیقت و طرر وجود آوردن آنچه را که مأمورین خانی می متونباز و استقلال کرده شمرت میدهند.

اگراد در کلیه ارمنه تاریخی بمان داده اند که از فرزندانه و افاد این آب و خاکند. در هر موقع تاریکی از فداکاری درخند داشته اند، آبا اصاف است که آنها را از خود امانت، آبا و جغان اینطور امر میدهند که آنان را آشوب

طلب بخواهند:

در همین طهران، در این طهران تشنگ، از بیبایدت مملکت مگر دزدی بشود؟ مگر در دو نوسه همین طهران راهزن دمه نی شود؟ بیرا دیکو بنام این راهزن نان دعوی استقلال دارند؟ و جراد ریها اکراد اگر آرزوی نادانی با استیصال و بارانر تحریک تنی چند راهزن بیباید شد میگویند استقلال مگر در بخواهند؟ برای اینکه دو نوسه طهران راه دوری نیست و نمیتوان برده های تخفیم بر خاق بوشاید ولی کردستان از مرز کردوز است و از این مزیت محروم.

واقفا محض متعجب میشود وقتیکه می بیند با می شود عده ای مأمور اشیاها با عده چنین نظراتی بر نشاند معاینه فایه کشور میبایند. آبا انان و اصا مأمورین معصومی دارند که چنین افکاری را در مردم آن نواسی تبلیغ کنند؟ اینها مطالبی است که تحقیق و رسیدگی از وظایف دولت است.

ما با انتشار نامه کوهستان بخواهیم اینگونه نقشه های تبه کارانه را بر هم بزنیم اطلاعات موتقی در معرض انکار مانسه قرار دهیم، تا از روی بصیرت بر ازان کرد خود را قضاوت نایند.

ما مصیب بر علیه اقدامات بی رویه عناصر ناسیک، خواه این عناصر نام مأمور دولت بر سر داشته باشند و خواه از سر زمان مغلی باشند، جدا اعتراض کنیم و بنام عملی بگوئیم تا آنان بگیرد اعمال خود برست.

ما میخواهیم توجه خاص دولت را باین اوضاع جلب کنیم و از دولت بخواهیم که در انتحاب مأمورین نهایت بدت کند تا مأمورین دولت و بی آلاش وطن برست و اصلاح طلب جایگزین مفسد جوانان گردند.

ما مصیب ما سکتین این مناطق را آگاه سازیم که اعمال ناروای مأمورین دولتی را خلاف میل و اراده دولت بدانند و در هر موقع ظلم یا ستمی از مأمورین دیدند آن را تصحیح مسلم خود آنان بشانند.

ما میخواهیم آنانرا بپرامن دولت امیدوار سازیم.

ما مصیب در این راه قدم بردازیم برای موفقیت از ایزد توانا استمداد می طلبیم.

آقای فهیسی از کوهستان چه گفته؟

تا هنگامیکه آقای فهیسی وزیر مشاور کراش خود را در مجلس شورای ملی بیسج نمایندگان نرساییده بود نظر دولت راجع به کوهستان بر اکثر مردم پوشیده بود. بیانات ایشان برده از روی خفاژی برداشت و سیاست دولت را در این منطقه روشن ساخت طبق آقای فهیسی در مجلس علاوه بر بیان حقایق اهمیت بسزائی در تعیین سرواژه کوهستان داشته و این بیانات موجب امیدواری هائی در سبکه این مناطق ایجاد نموده است.

اگرچه بسیاری از علاقمندان از ما تقاضا نموده اند که هفتنق ایشان را چاپ نموده با اطلاع عموم برسانیم ولی کوچکسی محصلان نامه کوهستان میهنقدریا اجازه میدهد که خلاصه ای از آنرا درج نمایم:

بیانات آقای فهیسی در مجلس:

اما در وقت اختصاصی بنده اول که بهستمع وارد هدم بکنه روزی که مشغول تحقیقات هدم دیم از طرف یک اشخاصی بینامی می آید ملائمتیکه میخواست بنده را ملاقات کنه ولی میرسن بنده من تعجب کردم دیم من برای همین آمده ام که هر کسی مطلبی داره در هر کس حرفی داره به بنده بگویند آقای آملف که همره بودند ایشان یک اعلامیه ای منتشر کردند و در حقیقت دعوت کردند اهفاس را که بر کس حرفی داره مطلبی داره بیاید بگویند بعد از چندی بنده رفتیم بنسق در آنجا اول وهله اش این بود که آقای فرزانده اشکر را ملاقات کردم و با اتفاق رفتیم به خانه البته بهمانی آنجا در نتیجه عملیات معده رشید آتش گرفته و سوخته بود و این اسحق فکر نکردم بود که برای چه اینکار را کرده است.

تو که میخواستی فراد کنی باشو برو مردم بیچاره را بی - خنانان کردن در خانه هائی، آنها را آتش زدن دیگر چه بود تو که جنگی کردی نه دعوائی کردی میخواستی فراد کنی بکنی اینطور از بیت کردن مردم بیچاره چه فایده داشت؟

بهر حال بکنده مان آمده بودند و مشغول تعمیر خانه هایشان بودند بنده اینطور احساس کردم که با ایشان گفته شده است که بنده برای اصلاح کار معده رشید آمده ام بنده برای اصلاح کار آنها چنانکه بایکی دو نفر از ما که صحبت شد اظهار میگردند که اگر دولت میخواست بعد رشید کنگ کند پس ما بکنده مان می خلی، تنبیب کردم گفتیم حقیقترا طبیعیترا هتایبونی روزی که این واقع شده باشد هتایبونی متنازع عدنه و بهین جهت هم بنده را شده نخست وزیر برای اصلاح کار شما و دلجوئی شما را فرستاده ام برای معده رشید و بهیچیه بنده باید جلوی همین بناها روی معده رشید نلت بزنم و او را آتش بزنم من چه اسلامی فرستادم او میخواستم بکنم اونوقت لفظ برای اصلاح کار شما آمده ام.

این اسباب امیدواری آنها شد و فکر آنها تیر تیر کرد و اظهار تشکر می کردند و معده دادم که با آنها وسایل لازم داده هوش به رفتم پس رفتم و رفتم از برای تیر و لوزان بنالی و آهن و غیره و بکنه با آنها و اجار فرستادم بیانه و چنه روزی آنجا بودم او را از بدارت و مشغول تعمیرات بودند و چنه نفر از اهل باغی ازاده ها و غیره از اجزای دینر جمع شدند بنده آمدم مقر آنجا هم آمده بنسق آنها را از اسبین میخانتم تحقیقاتی کردم بیینم در موقعی که معده رشید شروع برقرارت کرد است چه اشخاصی با او همره ای فرستاده ام؟ اختصاصی نگردم اینمش خبیم که اشخاصی که املاکشان در طرف باغ و میرده و آنجا ها واقع است و تینتیکه معده رشید نو کور دولت بوده آنها هم سر املاک خودشان بوده اند و حالا املاک آن را نگذاشته اند و رفته اند در بولاک و جای دیگر ما مانده اند که بکنه بنده آنها طرف معده رشید بوده اند

مرتکب یک هجره جمعی شده باشند اما تا وقت آخر تلگراف تانک اندازده ای پیش منی بنده را ناید کرد معده ایلیه یک ماهی که فلان در آن منطقه است گزارش میدهد و اطلاعاتی را میدهد از اطلاعات بنده که تقریباً یکسال و نیم قبل دو سال قبل در آنجاها بودم خیلی تفاوت داشت اینطور پیشنهاد کرده بود که در مهیاد حکومت نظامی برقرار شود و شش یا نه روز آنجا بی نهای کرده با این اطمینان که در ده خوست که خودها یک مسافرت بگردن و دو مهیاد بکنید گفتن من حاضریم اگر خطر می باشد برای بنده اشکالی ندارد

مشئبی برای اطمینان خاطر از این قضیه یعنی اطمینان اینکه من هر صلح مساحت کنم مایک تلگرافی میکنم به این آقایان که بیایدن تهران البته تانکیکه تا بنده در مشهد همدانه و خودشان را از مرکز جدا کردانه بی آینه بی نظیران گفته خیلی خوب یک تلگراف از طرف آقای ساعد ده تلگراف هم بنده کردم و گفتن تو

وقتی که اینها بیاید بنده حرکت فیکتم زیرا منک است اما مطلب تازه ای هم بنده میخانم که هفت نگذشت که تلگراف آقایان رسیده که حرکت کردیم آمدیم به مهیاد و گفتن ملائمت نرساییده ام کسی که خودشان را بکنی از دولت جدا کرده اند بیای زودی حرکت کنی کنده بیایدن در این ضمن و بعد از این وقایع یعنی دو روز بعد از این واقع غیر شرارت معده رشید اهل حضرت هتایبونی امر فرمودند که خوب است شال زودت بیرونه آقایان هم بند حرکت کردند و آمدند و بنده هم رفتم بگردن و مستند از آنجا به مسقر و باه و میاید آبرو مهیاد و رشایه و تیریز ویر گشتن به تهران جاداره از این مسافرت در دست کردمشان خاطر آقایان را مستعظرتکم.

در اینجا آقای فهیسی ابتدا اوضاع عمومی کوهستان را شرح داده سپس اینطور بیان نموده:

مدتی است آقایان نمایندگان اینطور تقاضا فرموده اند که بنده خلاصه ای از مشاهدات خود بفرماد این مسافرت کرده ام بهر شان برسانم.

اینه بنده هم تفهیم میدهم سکه استعمار خاطر آقایان نمایندگان از مسافرت بنده مخصوصه هاتیش آمدن این مسافرت و واقعه ایکه در نتیجه آن این مسافرت پیش آمده هم برای سیاست ملکنی هم برای بی سیاست جاره با این ملکنت هاید بنده

اما علت مسافرت بنده

در کابینه آقای ساعد یک هب رئیس ستاد ارتش آقای سر تنبیب ورم آزاره به هیئت وزیران تشریف آورده پس حضور آقای ساعد و بنده آقای سروری وزیر کشور یک گزارش بسیار مفصلی از یک ماهی مامور رسمی که در مهیاد بود فرات کرده خلاصه ایکنه تا بنده منطقه مهیاد کوهستان را بکنار چه آتش مزوری هدم از دولت ایران معرفی کرده

رئیس ستاد ارتش اساسی اشخاصی را هم برده بودند که آنها اسباب پیش آمد این قضیه شده اند که نسبت با آنها بنده سابقه زیادی داشتم و آنها را میخانم بکنی از آقایان فهیسی معده بود آقای قاضی ساعد یک شخص محترمی است که در قضایای شهر بود که بنده رفتم با آنرا بیای یک از اشخاصی بود که خودش تینت انداخته بود و خودش و بایکنده از کاشان مهیاد و آن حوزه را حفظ میکرد.

بعد هم در قضیه رشایه بنده ایشانرا پاسد میخانم در تونق همدان و قاندر مامورشان کردم بکنی از طرف همدان در بیاچه و بکنی از طرف جنوب دوبیچه رفتند و قضایا را خانه دادند و سد هم شدمات دیگری کردند و معده رفتم با آنکه بنده تهران کارها می کردند که بنده هیچ بیچاره ام وطن برستی ایشان تردید کنم.

این بود که هتایبانی که تلگراف را میخوانم بنده تکلیب کردم گفتن این اشخاص را بنده میخانم و گناه نیکتم

خوب بنده هم اشخاصی را که خدمتگزار هستند و از مامورین سابق دولت هم که تصدیقاتی در خدمتگزاری دارند ناپایر تکلیف بنده من این بود که آن هزاران آبرو برام دولت بکنم بگویم با آنها هم مرا می خواهد شکم بروم. دلیل کار خودشان بند بر سر دست بنده در دراجت بنده یک تلگرافی از تهران فرستادم که هر کس در این حدسی که بنده بنده بودم در وقت بنده صحیح است یعنی بی اشخاصی که خدمتگزار هستند که مال و خود وقت از آملتن این هیئت در آنجا هستند و یک اشخاصی را مورد اتهام قرار میدادند میگفتند که بیایدن نشان مناسب لیست با خوب نموده ولی بنده تکلیف خود را خود اجرا میگردم و تابع او ادهم دیگر می بودم.

بند اشخاصی که میخواستن شکایت کنند و میفرستاده مندرجا آمده از جمله کسانی که مورد شکایت فهری و غیر فهری بود یک شخص است باسم محمود کالی سنائی که بکنی از ادرار نظیر معده رشید است و تا قبل از فهری بوز هم در آنجا بوده است و به از فهری بوز ادرار هدم است و رفتم است.

این شخص را نگذاشته اند آنها که حفظ آن سرحد را بکنند

آقای فهی

از کردستان چه گفتند؟

په دردمند ۲

مناطق که از سرحد میکند ایستگه اتباع همران را برون گذرنامه میگذارد و میآید یا اینکه خود را گذرنامه میدهد اموال قاچاق تصور لورد میکند که این اموال قاچاق در اطراف کردستان فراوان است آن اجناس باقی که پیشتر میفروشد وارد کت و پنویس برای مصرف داخلی است مساحت تکلیف و آن اجناس رهام که تبری اشهر و مصرف دومیونیه برای مصرف اورامان و مریوان است جواز لازم ندارد املاک اهداسی رهام تصرف میکند همواره را که ادعای مالکیت میکند بلکه مدعا هم می گوید من میباشم اما چه کم میباشی؟ ملا صاحب مشه کردستانی که اخیراً مرحوم شده املاک دارد در آن مساحت ازقراری که میکنند آن املاک صاحبزاد تومان ضایعی دارد و آن املاک دستبند است و گنگ است همین مبلغ هادی این املاک است یعنی اصحاب آن املاک آمدند من جمله آقای دکتر اردلان مسکن یکی از ملاکین اعیانست که حکمی از استاذ ارفع آورده که املاکش را بگیرد و پس منصفانمانده گفت که من میخواهم او را هتمن اگر حکمی از دادگاه داد بپذیرد میگفت و الا قبول نمیکنم بنده خیلی خوش وقت و مشغور خد که فرماده این اندازه رعایت قانون را میکنند اما ائتلافی در آنروز به دومی از زاندرامی آورده بودند راجع بیک فرد دیگر بدیم که خودشان رای داده اند که منک او را بدنه ماموم شد که این کار را میکنند حالا ایقان چه ملاحظاتی دارد نه عرض کنم.

دوم صورت یک چنین مامومی مادر سرحد داده ، مامور گمرک جرئت مندور حرئی برده و این آدم فزون اموال دارد و مریوان آتیا مؤترات و لافوئی پیدا کرده است هفت فرماده هم بنظر از او ضایعی کند . رئیس زاندرامی آتیا کللی میفرستد کسی خیلی آدم خوبی بود ماموریش هم خوب بوده نمودر عدم رضایتهم بود ولی نسبت به سلیات او جرئت ندارد احراض میکند و بیلا و آتیا بدبعضد کالی ساتالی افساد میکند فرماده از نظامی اورامان و مریوان بنده نهادم که اورامان و مریوان کی شهرستان شد و کی بجزایر ارمانه از کرده و کی آتیا حکومت نظامی برقرار کرد بد آتیا هم بیلا و خواستیم برویم مهاباد تا ماموری که آنرا بر تپه آورده بود آمد بدیم که اسرار میکند. که بنده

دولت بیدیده احترام به کردستان مینگرد در رفتار عناصر ناصالح و سنجیده شمارا مسکدر نکند. عمر فرمانروائی ایقان بزودی خاتمه خواهد یافت. بر احکم دولت امیدوار باشید . صلح را تقویت کنید و اهر یمشان را برانید.

نروم مهاباد آقای سرحد طوری برسد بودنه برای چه نروم گفته بود برای اینکه خطرناک است سوار کرده بود چه خطری میکند حس میکند گفته بود خیر اگر هیچکدام میباید اتفاقاً بماند. راجع به سرحد گفته بود که فلانی از هیچکدام از آنها ملاحظه ندارد چون خودش داوطلبانه آموست ترسوی بی ندارد و خواهد رفت و خدا آرزوی خیر آمد که پاسکاه خوروی ها پاسکاه زاندرامی راخلع کرده است گفتم ما میرویم چند تا زاندرام همراه ما هسته اگر اسامه خارا دم گرفته بیکه بدستلامه آرزو رفتیم اتفاقاً پاسکاه خوروی نهایت احترام را کردند خیلی هم خوش رفتاری کرده و یاد املی بی خلاف احترام از آنها دیده نشد پاسکاه زاندرامی هم مسلح در جای خورشان بودند و هیچکدام از آن چیزهایی که گفته شده بود نبودند و آن مامورین این بود که آن چیزهایی را که آورده دادند است قیمت آن کشف نشود بعد وقتیم دوش هم در بوکان بودیم یک هده از اهداسی که املاکش را گرفته بودند آمدند یعنی بنده و حکایت خودشان را میکنند و ضایعانه بپای را هم ارائه دادند از مامورین سابق سپیده هده بگفتیم مرحوم سرتیب ارفع از گشتایان و هر کس آتیا بوده که بعد از هم برود اینها همیشه خدمتگزار دولت بوده اند خدمت کرده اند و بنده جز اینکه اسنادوسری که مامورین دولت بآنها داده اند معنی بدنام چاره ای ندارم زیرا بدیم اینها وقتی خدمتگزار بوده اند وقتی بیخلاف جدیدی از آنها سرانجامیاه آتیا برین جهت رسانیده از آنها خبری او هتمن فرماده لشکر که این اهداسی که گفتند سابق هده ایستس حالا آمده اند این جا و مدتی است ماموران اهداسی هستند که املاکش را ضبط کرده اند حالا خوب است خود شما بآنها اطمینان بدهید که امیدوار باشند بیاید سر املاکشان و خدمتگزار باشند مفاغانه باین قسمت فرستاده اند و گفته اند اینها در هم رور و خیلی ترسناک کردند هر وقت کرده غارت کردند اینها از انبوهی بیچاره ستانده اند از بیچاره هم بیاید حتی مرکز خطر و آتش است که تمام این هجرت هارا داده بودند اول که وارد هدم یکسده از اقطاع و عطایه و مسخره بده آن جا برای استیصال آمدند

مثل اینکه شنبه بودند که بکوزبری ادر طرف شاه میآید مثل اینکه به ملکی است که از آسمان میآید باری باهه ذوق فون الماده استیصال کردند و اسرار میکنند که بنده سوار بشوم و آنها پیاده بیایند بنده قبول نکردم گفتم خیر آتیا این زحمت کشیده اند پیاده آمده اند خیلی درد از اهداسی است که بنده سوارم نروم و آنها را پیاده بگذارم بخصوص اینکه برای بنده سوارم نروم و آنها را پیاده بگذارم سواران نیست گمن سوارمورم پیاده رفتن تا منزل و بعد از ظهر هم تمام روسای افراد دسته بدست آمده اند جز اظهار اطاعت و تکریم دولت هیچ چیز دیگری ندانفتند و همه لادایی میکنند که انسان نمی توانست مقابل آن صحبت بکند مثلا میکنند که ما سلطنت ایران را از روی غنای مذهبی و اسلام و مطابق اصول و سنن اسلامی اطاعت میکنیم که نمیکردیم ما باید شاه را ببینیم مجلس را ببینیم گفتیم که تعزیر این یامن است چون بیکسده از آتیا را نسبت هالی پشیمان داده بودند آن هارا خواستیم اینها شمارا هم خواهیم خواست که بیاید به تهران بخدمت اعلیحضرت شرفیاب بشوید. دولت رهام ملاقات کنید. دولت همه شارباید سپیده همام هده را می بیند مشغور اعلیحضرت هابونی روزی که بنده آتیا بودم چو دانیکه دست بدسته میآیند و مطالب خودشان را میکنند و اطاعت خودشان را اظهار میکنند دعوت دیگری در بین نفوذ شکایتشان از آن فرماده بود که او همیشه قصد دادناست آنها را باهی معرفی کند مثل اینکه اول هم کسی بدنه بود مهاباد با آتیا سراسر از او پذیرائی میکردند و خدمت گذاری میکنند می گفتند که ما همیشه خدمتگزار و مطیع دولت بودیم. ایشان در جواب گفته اند که می گفتم است اطاعت بکنید دولت احتیاج بخدمت شماها ندارد و بدیم هم میکنند که باید شما اهدام بشوید. این وضع پذیرائی او بود است و در مقابل خدمت اهداسی با اظهار اطاعت و اطاعت گسائی که این درجه خودشان را از ایرانی میدانند مقضی است که انسان با حق بعد و با نظر بش و بدینر می صحبت بکند : اینها خدمتگزار دولتند بطور مثال عرض میکنم قرنی اسه شایسر رئیس ایدل ماشن اسن یک آفس است که همه بدانه که ایرانی منصب است و همه میدانند که پیش او اسم ایران واسه انبوه آورده یک بیدر مضمی است بر سرش در آتیا با سوزن فرماده و رئیس ستاد ملا گره میکند میگفت که من خودم را بر سرای بردم و بدم سر برایت است و بعد سر برایت بوده است ما همان سر برایت دولت بودیم و بعلت خدمت کرده ایم و خیلی گفته ها داده ایم حالا جواب این قسمت را میگویند آتیا سر لشکرها خدمت کرده اند و معرفی فرستاده همه باید بروند آتیا. این چه حرفی است که باید بآنها برتنه که همیشه آنها را نسبت بدولت ظلم و دروغ است نسبت بآنها بدگان گفته کدام سر لشکر بفرستد است و واقعا این حل فون الماده بدست و بیکه هراسی باید بآنها کرد. یک کسی که انتظار میکند با ارباب یا او این طرز بیاید رفتار کرده. باید باین گفته که ایرانی نباشد آتیا هم از طرف کسی که خودش ملوم است چند آتیا کی اسه

از طرف اهداسی مهاباد و کردستان بنده با گمال اطمینان عرض میکنم که این حاله های که بایران دارد نه نظیر ندارد.

میگویند

مالیات پیچید

... یکی دو نفر از اصحاب مسایه
ستند سخت بجان مردم افتاده بنام مالیات
برودند مفلول بر گردن گیسه خود...
میباشند. معلوم نیست آیا رئیس دارائی
از این موضوع مطلع است یا نه! اگر مطلع
است چرا او گیر نمیکنند و اگر مطلع نیست
چرا درصده ششاسنی مأمورین و تنغیس
صالح از ناصالح زیباشد.

ما از تذکر این مطلب ناگوریم که
در کشور ما نظم و آیین اداره یا دردم
برهم بودن آن و درست حمل نمودن
کارمندان یا بازار سوء استفاده فراهم کردن
نظیر کار و رفتار و نظر رئیس آن بستگی
کاملی دارد و صالح بودن رئیس در حالی
که اعصابش مشغول چوبین هستند مستانی
جز در هر شکری اودارده البته اینهم
تغییر است که در اوقات او را برای امر از
چنین مقامی ثابت مینماید.

اهالی منطقه سقر و بانه با نهایت احترام
خاطر کلیه مقامات مربوطه لحاظ
احساسات پاک بی آرایش خود خصوصاً
حسن قدرتی متوجه میسازیم استند
داریم این قبیل اظهارات اشخاص که
قطریه از پیشرفت مقاصد شخصی مشوب
ساختن ذهن عمومی مبادرت مینمایند
ترتیب اثر نداده افسران لشکر که
در ایام وظیفه خود چه و چه نموده
مورد توجه باقر قرار دهند امام جمعه
کوه علی همه و پی حسن ملکی محمد
سید تیله کوهی طالب دیناری صالح
رحمانی میرزا بابا تیله سکوهی صاحب
دنداری صالح سلطان بناه رئیس منطقه
سروش شیرازی اصلائی شریف عرفانی
محمد رشید جانی طباطبائی حسین و کیلی
علی انشازی شهر وی محمود شهبانی
اسدقلاهی عبدالله قیروزی محمد صدیق
دولتی سکلائی خانان اردلان محمد
امین اردلان حسن اردلان آقا برای
اردلان ابراهیم صدیقی محمد و کیلی
مصعود سلطانی و کیلی شرفی طباطبائی
و توفی صحت امضاءهای بالا مورد
کوهی است رئیس شهربانی سربر
واستکار

برای مزید اطلاع امضا کنندگان
اضافه می نماید که اینجانب فقط در
مظوفیت سقر و در دیده و دیگر تاجبال
مصادقت مسافرت به آیت مضطرب را
نداده ام خوب بود قبل از امضاء تلگراف
از مقامات مربوطه حاسب اطلاع
میرموند *

تلگرافی از سقر

صفحات نامه کوهستان برای شما باز است.

از نوشتن عقاید اصلاح طلبانه خود، خودداری

نمائید.

در منطقه سقر و بانه مریدان مشاهده مقامات صلاحیت دار این
قبیل اظهارات اشخاص مغرض اغفال شده زحمت یک مشت افسران
ارتش که جان خود را در راه بر قرار آمنت آرامش منطقه
کردستان فنا نموده کلیه اهالی ناظر بوده اند اینک خاطر عالی
را به مراتب شرحه زیر معطوف اولاً موقع تشریف فرما می جناب
آقای فیهی وزیر مشاور آقای دکتر اردلان بنوان اینک به تواتر
بدون ارائه مدارک دلائل و صدور حکم از یک مدینه که صلاحیت
داری املاک مریدان را صاحب تخت اختیار خود در آورده سقر
آمدند این مورد مشغول اقدام گردید چون نتوانست مأمورین
لشگری اغفال نمایند این قبیل اظهارات مغرضانه مبادرت نمودند
تا با آقای دکتر اردلان اظهار داشته محمد رشید در مقابل
قوای دولتی مقاومت ننموده جنگی هم نکرده کاملاً اشتباه نموده
معلوم است آقای دکتر از جریان اوضاع بی اطلاع بوده انگیزه
اگر آقای دکتر اردلان طول مدت عملیات بخصوص روزهای ۱۳
و ۱۹ شب ۲۳ مهر ماه در هنک زال کلیه ده کانی سلگ منطقه
بر خوبیهای شیانه یا مانند ما متحمل میشدند هیچ گاه نفاکاری
زحمت افسران افرا لشکر ۴ را فراموش ننموده میدانید حقیقا
افسران سربازان جان مال و ناموس ملت مستندیده منطقه سقر
و بانه و از ظلم فشار محمد رشید علی جوانسردی سایر عناصر
فاسد مددست آنان خلاصی بخشید اینک عموم اهالی منطقه -
مادام العمر میساکندار بودند اینست آسایش کنونی در سایه بند
توجه دولت لشکر همت سرتیپ هوشمند افشار و افسران دانست
میدانید شاید آقای دکتر اردلان فراموش ننموده اند هر عملی
انجام یافته نظر اشخاص که در آن حرکت نداشت سهل رساده
جلوه نموده زحمت مشرکین آن دنظر آنهایی که همان مساحت
ایام در خواب ناز بوده اند از شیرینی اغذیه ستاده نموده
اوضاع بی اطلاعند قدری منزلت نخواهند داشت فطنی سواراز
بیاده میر از گرسنه بی اطلاع است نتیجه همین است بموش تشویق
پادشاه افسران افراد شرکت کننده در عملیات آقای دکتر
اردلان مبادرت به تنقید مینمایند آنتی دکتر اردلان در موضعی
که اهالی مستندیده سقر و بانه بدبخت ظلم و ستم محمد رشید
علی جوانسردی گرفتار حتی ناموس و هستی عموم اهالی حطر
پرزگما تشریف داشت امروز این ترتیب دلسوزی میفرماید

شکایتی اگر دارید مستقیماً به آدرس روزنامه

بما بنویسید و از اطلاعات مفید خود ما را مستحضر

سازید و مطمئن باشید در صورتیکه بنوا امید نام شما

مکتوم خواهد ماند.

مرفعی که اولین مقاله خود را
واجم باو باع گردستان، در جریده
ملی ستاره نگاشتیم عده ای بی اطلاع
شاید گمان کردند منظور ما نامین نظری
خصوصی بوده و مفرضین خوشوقت بپزند
از اینکه حربه ای بدست آورده و
خواستند از این نوشته سراسر حقیقت
ما بتع خود استفاده نمایند. چه کردند
عده ای را از سقر و داشته میر کز
تلگرافی نموده نوشته ما را بر فرض
وائی حمل نمایند و برای صحت هويت
امضا کنندگان هم عمل منحصرتی انجام
دادند و آن این بود که رئیس شهربانی
را گفتمند امضای آنان را تصدیق کند
آنها در عین تلگراف !!
گمان میکنم اگر عمل اخیر انجام
نمیشد شاید تلگراف خواننده را تردید
می انداخت ولی نام رئیس شهربانی در
ذیل تلگراف عمل را قرینه اعمال
شهربانی سابق جلوه داد.

بهر حال مطلب بسیار کوچکتر
از این است که ما ستونهای از نامه
کوهستان را به توضیح و بحث اختصاص
دهیم ولی برای اینکه عموم هم مبینان
از طریق کار ما آگاه شوند عین تلگراف
رسیده از سقر را برای اطلاع همگان
درج نموده امضا کنندگان را نویسم
دهیم که رفته رفته دولت رسالی برای
ایشان ایجاد خواهد کرد که بتوانند
آزادانه عقاید شخصی خود را بنویسند
و وضعیتی پیدا خواهد آمد که دیگر
دستی یافت نشود که بنیوت تهیه کند
و آنان را باضا و اداری نماید.

اینک متن تلگراف

تهران ریاست محترم مجلس شورای
رو نوشت جناب آقای نخست وزیر
رو نوشت آقای فیهی وزیر مشاور
و نوشت وزارت جنگ و نوشت ستاد
ارتش و نوشت آقای مصیبتی سقر و
نوشت آقای دکتر اردلان و نوشت
سنتج فرماندهی لشکر ۴ و نوشت
جناب آقای فرماندار سنتج و نوشت
روزنامه اطلاعات و نوشت روزنامه
ستاره و نوشت روزنامه سادات شر در
شماره ۱۹۲۱ روزنامه ستاره شرحی
بقلم آقای دکتر اردلان عنوان آقای
فیهی در مورد انتقاد از تیمسار سرتیپ
هوشمند افشار عملیات لشکر ۴

بیانات آقای آصف

نماینده کردستان

آقای آصف نماینده کردستان پس از مراجعت از مسافرتی که بحسب آقای وزیر معارف و بکر کردستان نحوه بوده نظرات خود را در مجلس شورای املام داده است. خلاصه او از بیانات ایشان را ذیلا بشرح خواننده گان گرام می‌رسانیم :

سکوت و لجاجت‌ها وسیله سوء استفاده
لغج پرفشان است. این سکوت را بشکنید
و درد های درونی خود را بوسیله نامه
کوهستان بسمع اولیای امور برسایید.

کردن مفادش این بود : علاوه بر اینکه حسن آقای نجیب یکی از رجال مجرب و کارآگاه و نویسنده نلس مستند از طرف دولت و ایلمینتر مایونی مأموریت دادند برای اینکه مراحم شاهانه و توجه دولت را ببرد ابلغ کنند که مردم بدانند آن نظرهای که سابق بوده است بالا نیست کرد و کردستانی ها منظور که همیشه بوده لایفنگ ایران بود و هسته طرف توجه مجلس و شاه و دولت هستند بمذاز آنکه بنده از دو اسیر و باره و جانوران و ارواحان و میروان و تیره و و غیره و سفر و بانه تا برسه بمهاباد این سنه امضاء شده و را پیش کرد تمام رؤسای ممالک ایالتیان و خوشوقتی با خودشان را بفرستادند آمده بلالانت این روز پر مغالیان که داشته و مقامی است که داشته نمایان باشند کنند (صورت بکنند) آقای نجیب توضیح دادند بگفتند که کامل بوده ان تالیته همه ممالک ایالتیان را از ایشان داشته چیرا بنده اینجا بودم ولی آنچه از حکمران خودم شنیدم بنده با بعضی از ایشان با اصلاح دردمند است با اینها یعنی با بعضی دولت امضای کرده اند و از اظهار بنی لستیا چون داخل هیئت دولت رشتند هر جا که قدم نهادیم تمام امضای باکال های خوشوقتی با بعضی باز با کمال حسرت را ما استقبال نمودند و مطالب حلقه خودشان اظهار کردند . بنده از سفر با تصرف بود و صحبت خواستم بروم یکی اینکه برای کسالت کربتی پیدا کرده ام که حال خوب نبود ولی منم اینکه گفتن برای منطقه کردستان که مرگش ستیج است آدمه ام و می دوست یامت شد که رقم استعفا بکنند آقایان توجه بفرمایند یکی اینکه آقای نجیب لکیم میبذل ماکر بودیم که بنده بر کردیم که بنده ایشان بر او یا طرف دیدم از طرف اهلانی زاده حسی مهیاد برایشان آمدند و از ادا دعوت کردند من دسم این وجهت ایجاب میکند که بنده هم با ایشان بروم این بود که بنده هم رفتن بویکان و حسامیان که مرکز این ایلمان زاده حسی عشار مهیاد پشی آقایان حاج بابایه آقا محمود آقا یاقه یکه بسیار در بویکان و یکسب دو حسامیان منزل آنها میمانم دویم آنچه که بنده دو آن سینه جوهر ساعت دیدم این بود که آقاها بگرمدان متندن و مشندن و ایران دوست و نوع دوست و خدمتگذار خلاصه هر چه را که شنیده بودیم عکس آرا کردیم و خلاصه نظر من از آن آقایان برای ایران خدمت گذاری آمده است و دوستی در تهرام هسته . بنده دیگر از اهلستان مراجعت کردم آقای نجیب از آنجا رفتند بطرف مهاباد و مهاباد و دیگر آفتشنابرا خودشان میادند و بر سر رسانده اند. عرض کنم که از رفتن ما از اینجا ستیج کرده ام از روی قربت و لیاقت معلوم بود ولی بنه بهیچیم که بکنند از مأمورین این رفتن مایه افغانه است بنه آدمی را چه؟ برای اینکه سفره که برای بره رفتی گشتره بوده و ستیج نظری که داشته و شفا ای که کشیده بودند برای بدبختی بکنند خشن مانده .

اصل مقاله چه بود : دو نفر رئیس فوئیله یکی مصدرفیه یانه ای ویکی مصدرفه کالی سانی اینها سرچل و پل و دیگران اختلاف داشته پشی سر املای که در مبرور است که آن اختلاف بکنند پس مربوط است بچو بمان بنده (نه خود بنده) و یکسب هم چون نفر از هوزادعای آقای ادرلال نماینده محترم و بنده نظر از ساکنین شهر یکه دو نفر از رؤسای اهل اختلاف بود است محمد رحیم برادرش بود.

بناوریکه خاطر آقایان گرامی مستصر است بنا بخاضی دولت وقت و تالیف هم کاران محترم چندی پیش با تعلق آفتلی- نجیب وزیر مشاور برای سر کشی بکر کردستان و هیسار شدن ، وظیفه خود میدانم گزارش مربوط باین مسافرت را بر سر مجلس برسانم پس از آن که بنده میروم ایام با مأمورین دوباره تفریق اینطور بیان کردند :
۱ این بان بکران ، این و مطرفشان این خاشنا حلالا در دوره مسکرسی هم رامت نس لقیقته بنده مستند در نظر مشروطه با توافق مجلس شورای ملی و هسب یادشده میمای بر رکی سیتود پس از آن که بنده مراد منشی است بنام مصالح عالی گفتور اظهار حضرت مایونی و مجلس شورای ملی از او قانون درستان اذنه و را از اوقه جامه کوتاه گشند پشی با آنها بیایند که آقایان این اسلمه هتا پیوسیده شده است و دور او نیز بکانه تم در مقابل تا که و توپ و شیشه ای امروزه او شلیک شاد و سر تان دوپاسه شلیک است دیگر اینکه تا کون در مقابل آن حلیات رفتی که نوده اید خانواده علوا براد کرده اید یا خانه و داخل کرده اید غرضها را آید کرده اید اینجا هم هیچ شایه رده است ، بنام و میوه اید صاحب همه چیز شده اید ولی چون هنوز دعوت به مساکه نشده اید برای تبر اتفاقا دعوت فراوان گرفته اید بر کنار بروید بگزارید چند عباسی بجز این گذشته این ملت ایران این تازه ملیونی که سر برستی شان را باین عهد سپرده اند با آب و رشتی از گلهوشان فرود و یکه افغانی با کدستی هم در این کشور هستند یا از گره و کنگار به هیچ فردا خلیک ندر املیت هستند آنها را یورو مصدر بکنید .
حالا بروم بر اصل موضوع حرایش بنده راجع بکر کردستان مربوط باین سنه است و این سامانه اندر ویش آمده است که دو آقای هه و نوربران اسحق افغانه گذاشتند در صورتیکه با املای که حلالا عرض میخوانم کرد نمیشد خواهند فرمود که فاله برون انان و توق بود برسی حلال بکازیکه خاد . بنده قبل از رفتن ما با ملائفه فرود دیده ام چیزی از لاوم چیزی رساندم چه نظر بر این است که امروزه بنام مطالب و کاماوسه بر سر برسانم نطق و پروژ اولی از فن جناب آقایان ساد و منس اولیای دولت بنده و دعوت کردند بکاخ وزارت امور خارجه ، آنجا چند

بیانات آقای آصف

بیادارصفه ۶

بیگانه یکی از آنها فرساده و آن یکی دیگر هم آمده و خواهی دولتی متوسل شده و اینها هر دو باغی و مشرک نسلداد شده. بدین پس از آنکه آقای آصف در کتبی که میبندد بظرف سربون بین همان محمود کای سانای بریزد و بعد رشید یک زود خوردی می خورد و در هر ش دوسه ساعت و هر کدام از یکطرف رفتن بجای آنکه از طرف فلان هم یکسوی آمده باشد معده و خنده صلیبات چنگی نیکبند منتهی بیکطرف کتبی از زشتی میکند که هم بخوردی ششارت وارد می آورد و هم بیانه بی اولی غایت خودش را آتش زده است و بدین معنی خانه هان بانه را و بدگفته و رفتن است این است که با هر سخنی این غارت و این چارو و جنگل و بیادار بر پایه دولت بودک استرا - گماشته و مجبور کرده به ایران جراه در که اینطور نویسد : - یا بنده از آتاپان یک سزالی میکند - گردستان از شش فرسخی همان فرخ میشود تا برسد سمنج و از آنجا برود به چینی چون برود تا شاکه هران و از این طرف تا برود بیاید تقریباً پنجاه هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و بالغ بر چهارصد و پنجاه هزار نفر سکنندار دارد همینو سطلی اگر یک فاهانی آتاپوری که آتاپان روی مقاصد شخصی نودخان - لاره میبایدند بود نلت این همه برج این عده و هر قدر فراوانی باید و اینکار شرکت بکنند بنده چندین جناس پیدا کنند با از روی دولتی جنگه بکنند بنده چندین زود خوردی بشود ؛ باید یک عده زیادی از طرفین گفته بشوند ؛ و اسلا باید صفر از طرفین کتت بشوند ؛ بنده بنیادم چرا آتاپان اینقدر چارو جنجال راه انداخته این این خبرها و رفتن که آمدن آتاپا اهالی گردستان خیلی در هکفت ماندند و وحی دوزخ یک از ایلایه خودخان سواد لشکر که در یکی از اوجا رفتن نوشته شد برود اینطور گفته بود که این اتماسی که قولی فردان جا کرد لکه خوب برودا هست قلان بنده یک سزالی میکند آن طرفی را که میخواهند تطبیق کنند خدمت وظل آتاپان وارد و باید که باشد تا آن طرف از تطبیق بکنند ؛ این موضوع خوشتر که برود که شهر بود را بشود ؛ و چرا اینها چار و جنجال راه انداخته اند بنده با عرض میکند این مکان همان مکانی است که عرض کردم در اینجا پیش از هزار مرتبه قسم داده بودم حقیقت این بود که نعمتتان عرض کردم اهالی گردستان خوبان طیبه دیرینه را دارند همیشه خودخواها را ملت ایران یکی میداند یکی هم صفت اینطور هست و انتظار دارم که دولت مطابق مکتوب آتاپا آنها رفتار کند. هشتم ام در یک محضر گفته شده است که فلاسکی ز یاد سکه کردار پسند میره اینطرف و امانا

شده آورد است اگر من سکه کردو ببینم فرم گیرند ؛ و بعد در جواب آن و برخواستن را و باجان چین دور فای ما ؛ این جمله را که تنها بسج ایرانیان نجیب میرسانم بلکه بسج عالییان میرسانم ؛ مریکتر کرد ؛ یک مسلمان ایرانی مشروطه خواه هست یعنی مشروطه مطابق احکام آسمانی و قوانین پارلمانی که پاسه ایران دولای آن دو میده آن دو امان باشد تا این دست را دارم دو مجلس خودی ملی مثل همه هکارانم مدافع مردم همه ایرانیان هستم شعور ما گردستان زیرا مسقط الرأس بنده است و تمام ولات هر زمان در عرض تیرانی که پیش آمده بودن تیر هتیه این اظهار را به بنده داده اند در همان این احسان است که سر و جان را توانا لکنت کرد مقداری هست - هر وقت هم که نایبند بودم و درها دوش خادین این ملت وظیفه ملی خود را انجام دادم ؛ بنده میگویم بنده عرض میکنم ۱۵ میلیون ایرانی به زواته منتهی از روی یک مقنناتی و یونایطی مختلف حرف میزنند یکسده فلاسی ؛ یکسده کردی ؛ یکسده ترک ؛ یکسده عربی میگویند و همه اینها با هم برآوردند باید در مقابل قانون و اساسات هومی بزرگ برابر باشند تکیه و تمیزی نباید در بین باشد آتاپانی که با نظرسوه برش آن میفاسدی که در اول بیانات خود عرض کردم با ایلات و عشایر آ کردار و بیستد که آتاپا در این بین چه خدمات هایانی را باین آب و خاک کرده اند مگر بنده مدعی هستم میگویم اهالی گردستان همه خان نثار خب میخوانند یعنی این چهارصد و پنجاه هزار نفر ؛ نه بنده چندین عرض را نمیکنم ؛ بنده عرض میکنم که یکسده سفیدی در همان اوامان و هم برون هستند که در دماغ خود بنده قابل من و قابل همین آقای اردلان نایبند محترم و سایرین دست اندازی می کنند ولی اگر بنده نظر خاصی داشته باشم ببلای می گویم که باید ده هزار نفر را قلع و لوع کرد ؛ استغفر الله بنده میگویم دولت بسزای بده با عرض خودگی است که ملت باشد و باهم مساملت در مساملت بپردازد باشد نسبت برزندان خود ؛ اگر در یک خانه اورد ای که هیچ نماند تا اولاد بود اینها صالح بودند و یکسالانی هم در دین آتاپا پیدا شد پدر یا آتاپا چه مسامله ای میکند ؛ دولت هم با اغماض مشرد اگر درین ده هزار نفر صدهزار نفر پیدا شد بایمان مسامله را بکنند ؛ اگر چنانکه در این باغ باورستان به ظف هرزه ای پیدا شد باید کند و

اداعت بیرون ولی اگر باغیان برای اینکار بفرماید برای استفاده هفتی دوستان کتبی را که مردم دوزخیر صایه اش میخواندند از تشرش سرش ناسمرد راست باخته ملت و دولت باید طرز مسامله شان باهم اینطور باشد .

سبب اینطور پیشنهاد نمودند:

بنده عقیده منم در عرض ۶ ماه یکسده یا سالی یکدله به هیئت هائی تشکیل شود این یک مختصر خلاص است باین ماصبت از درها میانیام و کشر دیوال علاج میرویم که آن عیبت هابرونه بشهرستانها و بلوکات و دهات ؛ یکتر از رجال محترم دولت ؛ یکی از نمایندگان مجلس ؛ تعداد کسی صومرن پشت من - بنهارا یکی چون سر انگشت من ؛ یکتر از قنات ؛ یکی از افسران بی عرض و مرض بیستنه وضع مردم چه جو است فرهنگشان از چه قرار است ؛ بهادرشان ؛ تربیتی است ؛ زنده گایشان چطور است ؛ دانششان با همه ؛ اگر چطور است و معاملات آن مامورین خاندانشان ؛ پول شناس با آنها از چه قرار است ؛ حالا این از دو طرف بیستنه یا اینکه مامورین از نیکان و پیاچانند که باید از آنها تنویق بکنیم چه بتر که محو هیئت شاهه اصقال آنها باشند امام بدهند پایه بدهند ؛ تنویق بکنند ؛ اگر از آن طبقه بدعا و ناپایان هستند که مثل گاو پیشانی سلید بیجنامه معرفی کنند و بگذارند که مردم در دوره دسکراسی از هر آنها خلاص شوند .

آگهی

لغیبتن شماره نامه کوهستان راستبیا برای آتاپانی که لافندند بعضی دولت و ام وی شان تیر فرستادم هزاره های بنده را بجز خواهیم فرستاد و تا موفقی که منم قبولی افتراک را کتبا با اطلاع نداده شماره های ارسالی را بس فرستند آسان را مشترک می دایم زیرا نامه کوهستان برای هیچکس میجانا فرستاده نخواهد شد .

صاحب اعتبار و مدیر مسئول :

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشتراک سالیانه ۴۰۰ ریال

تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده مسفر بشود و اداره روزنامه در درج یا سکه و اصلاح آنها آزاد است
محل اداره ؛ خیابان پهلوی کاشی شماره ۱۵۲۴
تلن شماره ۸۵۳۶

ساعات مراجعه هر روز صبح استثنای ایام تعطیل

از ساعت ۹ تا ۱۲ بیانه

چاپخانه کشاورزی

تلن ۲۷۸۷

قصیه مهاباد

پی ایل اف

خاک عراق میباید در مهاباد ضد دولت و مامورین نطقی ایران و جمعیت زیادی از جمله مهاباد را دور خود جمع بدارد شهر یانی مهاباد حمله پنج نفر پاسبان را بقتل رسانده و اداره شهر یانی را غارت و در صدد بود سخته نسبت به فرمانداری مهاباد روسای دوایر دولتی اقدام بکند خوشبختانه حسن آقا و حسن آقا عمو - ولدگان چاکر و ایلعلانی و حیدر آقا برادران هیداه آقا و رئیس ایل منگور و حسین آقا عمو و ایدر آقا ابراهیم آقا برادر هیدان نوروزی که ضلای در مرکز میباشند با محمد امین آقا و قزنی آقای سیرن که برای کار شخصی در مهاباد بودند فوری عزیز خان و رجاله را بر آکنده و جلوگیری بممانعت فرماندار و سایر دوایر دولتی برداشت فرماندار هم تاریخ عصر ۱۶ آذر چاکر استمداد کرد با همه اینکه چاکر از طرف دولت امر نداشتیم بوری اقدام لازم را عمل آورده به آقایان عشار مامش - منگور - کوریک یران دستور دادم شدیداً حمایت و جلو گیری بعمل آورند چنانچه از طرف عزیز خان و رجاله اقدام دیگری بشود بوسیله اسلحه تهدید و بکشند.

جسارتی عرض نمیشاید انتظامات شهر مهاباد که از طرف اولیای دولت دو سال میباید چاکر و آقایان منگور و کوریک بود با اینکه سوابق چاکر از اولیای دولت معلوم است دکتر مرزبان موهبی که استناد از رضائه بود نظر با ستفاده های شخصی وضعیت او بهم زده سخته چاکر زاده عزیز سوابق مطلع عرض نخواهد رسانید.

فلا وضعیت شهر مهاباد اداره فرمانداری و سایر دوایر دولتی خیلی وخیم اگر چنانچه هر چه زودتر اولیای دولت نسبت به وضعیت مهاباد ترتیباتی اتخاذ کنند اقامت مامورین فوق العاده راحت و ممکن است تولید اغتشاشاتی بکند.

امضاء قزنی مامش

ماضی الاصول اطلاعات موق و کامل از هر گونه اظهار نظر خودداری نمینمایم فقط لازم میدانیم از اقدامات وطن پرستانه ای که روسای عشار مهاباد در خاموش نمودن این فتنه با کمال جدیت و از خود گذشتگی بعمل آورده اند اظهار قدردانی تا کنیم

خودکشی ژاپنیها

در میان ملل جهان ژاپنیها مردمانی هستند که بزرگ چندان اهمیت ندادند بر سر مسائل مختلف بخصوص تشایر که لعاب به حیثیت آنان وارد کند خود کشی مینمایند و با این عمل اعتراض آیزر حیثیت خود را محفوظ میدارند. چه با سکن است افسری بملت عدم توفیق در جنگی خود کشی کند، یا شخصی بملاتی که در ماموریتی که میباید اش گذارده شمس از عهد انجام بر نیامده انتشار نیاید.

یکم. از طرف معروف و منصر خود کشی در (ژاپن) سیوکو یا مارا (کیرن) اسرودر ژاپنیها عملی است فرشته اند و مراده و با انجام آن توفیق که به حیثیتشان وارد آید جبران نمیکردند. از این جهت از طوفان فرزند آن خود را بطرز سهل و چگونگی اجراء آن واقف ساخته می آموزند تا در موقع لزوم با بصیرت و اطلاع کامل با اجرای آن اقدام نمایند.

عمل خودکشی در عمل های مخصوصی انجام میشود. انتشار کشته پای برهنه از میبری که از کلاه گشوده شده بر روی زمین تشکیل یابند میگردد و بسط اجراء عمل میرسد. دوستانش با پاسبان های مخصوص در آنجا ایستاده منتظرند عمل تصار انجام یابد.

۹. مدهای چندی روشن در صورتی که خاموش فتن این مدها را باید کلبه لشریفات انجام گیرد. و در توفیق پیش رفت نیست. فرمان مرگ خوانده می شود. یکم. از دوستان یا نزدیکان سنی را که در آن کار مخصوص قرار دارد جلو میآورد، انتحار کشته آن را بر میدارد در حالیکه کاش با شمشیرهای اخلاف بیرون کشیده، بالای سرش ایستاده اند. او کپرد و مسکرم در دست میگردد و بچون به پهلوی چپ خود میریزد. باید تا دست فرو روده اندگی مکنش کند تا حشار بیینتد از تنه چپری بیرون نیست. آنکه کار در اچون بطرف راست میگردد و بدین طریق کفانی بزرگ وارد میآورد سپس تنه کار در را بطرف بالا بر گردانیده به آستنگی میکشند دوران جهت نیز شکاف دیگری بوجود آید. میخوانه از حال بروه که تیغ برای یکی از دوستان گردن او را قطع نموده بدین ترتیب خود کشی مییابن میرسد.

نخستین شماره نامه کوهستان

دو دفتر داشتیم نامه کوهستان را دو سال آیمه بستی ۱۳۲۴ منتشر تا هم. نگارانی که در نتیجه جریان اوضاع اخیر گردستان تولید شده بود و منجر به بین حقایق اظرف آقایان قیس و زده مشاور و آصف نماینده گردستان در مجلس شورای ملی گفت ما را تا بگیریم قبل از رسیده موعده که برای انتشار مرتب این نامه در نظر گرفته بودیم نخستین شماره را در این سال منتشر سازیم زیرا لازم بود هر چه زودتر مسکنه مناطق مختلفه گرد نشین از نظریات دولت و مجلس واقف کرده تا دیگر حقایق آژاپنی که میخوانند آتش اغتشاش را دامن زنده و گردستان را لکه دار سازند رنگ نگردد.

این شماره مسطور که از لحاظ موقع انتشار استثنائی است از لحاظ نگارش و مطالب هم هسان چنه را داره.

شماره های آینده ضمن این که اصل کلی دفاع از حقوق مسلم اکراد مردم در برخواهد داشت حاوی بهترین اخبار و وقایع داخله و خارجه، جریبان مجلس شورای ملی و اطلاعات مطبوعه بوده ستون های مخصوص شکایات و انتقادات خواهد داشت و برای اداریات ذوق و سلیقه موهایی از ادبیات کردی و تاریخ گردستان و طرح حال مقامبر گردستان را در ادرا خواهد بود.

نامه کوهستان متعلق بشما هم میهنان و لاهر افکار شما خواهد بود

بدیهی است در این حال اعتراضی که از آن بشاید بهایبابت دفع مورد نظر نرادر خواهد گرفت رهبر در اطلاعات ترحم مندوات کیک نایبه بیرون آن خواهد انزرد.

بلی کدینت تهران

بلی کتله تهران که اخیراً تحت نظر آقایان: دکتر عبدالحمید اردلان، دکتر هوشنگ ظلی، دکتر جهانگیر جهانشاه

در خیابان سوم اسفند انتحار بالا، و دارای بعضی مخطله پزشکی بسیار کرد را که بی ضاعت هستند بر ایگان مسالیه میکنند و برای آنها یک استعاضه داره در مطبوعاتی لائل میشود.

ا کهی های خود را که مربوط به مناطق کزدنشین است برای درج به نامه کوهستان بفرستید